

اشاره **به مقصود این متن** به هیچ وجه سیاسی و جانبدارانه نیست بیعت حتی **به فرس که کشور ما با هیچ کشنوری، خصومت ذاتی و عرضی نداشته باشد و به فرس که بزرگ‌ترین تحقیقات نظامی درباره ریز بالزن‌ها در کشور دشمن درج به یک ما انجام نگردد، باز هرزینه بدون ثمر یک وزارتخانه برای وزارت‌خانه‌ای نامتجانس در کشوری دیگر کاری بس مضحک و عجیب است!**

یکی از این پروژه‌های تحقیقاتی، پروژه مرتبط با آزمایشگاه MAV با ریز بالزن‌ها است که بررسی با منابع و اسناد آکادمیک آن در دانشگاه‌های سراسر جهان، می‌توان به نکات قابل تأمل و صد البته تعجب برانگیزی دست یافت!

هرچند در کاربردهای فراوان اجسام پرنده تردیدی نیست اما شاید کاربرد اصلی پرنده‌های بالزن در ابزار نظامی و به خصوص ابزار جاسوسی تعریف شوند. این ادعا در ابتدا شاید کمی دور از انصاف به نظر برسد اما با بررسی وضعیت تأمین بوده‌های بزرگ‌ترین کارهای تحقیقاتی که تاکنون در این زمینه انجام گرفته است و سازمان‌های پژوهش نظامی که به صورت تخصصی در این چهارچوب فعالیت می‌کنند و از طرفی جوسجی تجاری و عملی این تحقیقات این مدعا را تقویت می‌کند که در حال حاضر بیشترین نیازی که بناسد از طریق پرندگان بالزن و حشرات مکانیکی ارضا گردد، نیاز جاسوسی و کسب اطلاعات در شرایط خطرناک است. هرچند بنا به هدف پروژه فرصت جست و جوی گسترده و ارائه کامل مراکز تحقیقات نظامی و پروژه‌های عملیاتی شده محقق نبود اما اطلاعات پیش رو که حاصل جست و جوی ساده‌ای در تارنماهای جستجوگر بین‌المللی بود ارائه می‌گردد:

«**پشه‌های جاسوس**»
این فناوری طریف، یک پشه مصنوعی، مجهز به کنترل از راه دور، دوربین مخفی، میکروفون، ضبط صدا و یک آزمایشگاه کامل سیار است. فناوری پشه جاسوس، می‌تواند صدها کیلومتر پرواز کند و با نستستی روی بدن افراد، نمونه خون آنها را با دردی به اندازه گزش نیش پشه گرفته و DNA آن را تألیف کند. سپس، اطلاعات به دست آمده را با بانک اطلاعاتی خود تطبیق دهد و در پایان، عملیات، گزارش شناسایی فرد را به مرکز ارسال کند. نکته جالب‌تر اینکه، این پشه می‌تواند یک Micro RFID را به پوست فرد مزبور تزریق کرده تا ردیابی او آسان شود. همه این کارها را بدون اینکه شخص متوجه شود، انجام می‌دهد.

در واقع این فناوری جاسوسی یک هواپیمای کوچک بدون سرنشین از نوع حشره مانند پشه است که به مرحله تولید رسیده است. این پشه مصنوعی می‌تواند، راه‌های عبوری چون؛ درزاها، شکاف‌های بسیار کوچک، سوراخ‌های روری چار چوب درها و پنجره‌های نیمه باز را تشخیص داده و از آنها عبور کرده تا به حریم خصوصی شما وارد شود.

این فناوری به قدری ظریف و طبیعی ساخته شده است‌ که در ابتدا و با توجه خاص نبودن آنها را از پشه‌های معمولی تشخیص داد. دیویدهامبلینگ رئیس عالی وزارت دفاع

در این زمینه می‌گوید؛ ما این محصول را در زمینه نظامی و برای خاک دشمن استفاده خواهیم کرد. این دستگاه‌ها هر چند دارای محدودیت‌های است که در حال رف آن هستیم، اما به دلیل دارا بودن قدرت مخابره تصویر از ارزش بالایی برای ارتش آمریکا برخوردار است، چرکه این فناوری می‌تواند دورتر از صدها مایل در خاک دشمن به نظارت مخفیانه و ارسال گزارش مشغول باشد، بدون اینکه توجه کسی را جلب کند.

ژوئن سال ۲۰۱۱ نیز ارتش ایالات متحده

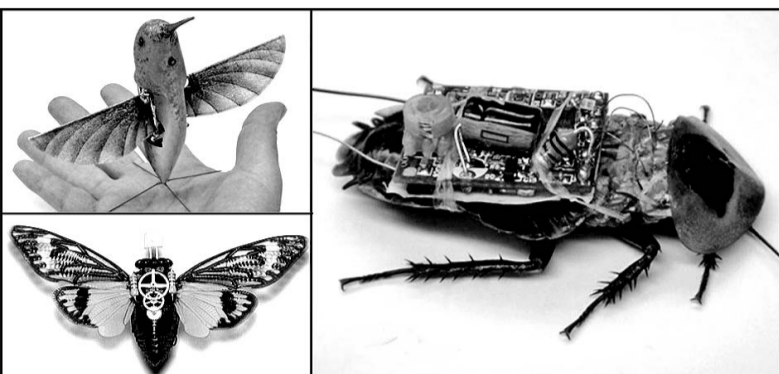
(MTO)

این اداره وظیفه یکی کردن ریزترها‌های الکترونیکی، الکترومغناطیسی، فوتونیک و تولید محصولاتی است که بتواند در علوم ارتباطات، برتری ارتش آمریکا را نسبت به سایرین حفظ کند.

یکی دیگر از وظایف این اداره، مقابله با حملات فیلورژیک، شیمیایی و اطلاعاتی است، از سوی دیگر، این اداره می‌بایست میان جنگ‌ها با استفاده از نیروی نظامی و بدون نظارت مستقیم مدیر این سازمان انجام

مقصد پروژه‌های بی‌هدف دانشگاهی کجاست؟!

خدمات وزارت علوم ما به وزارت دفاع آمریکا!



مجبور شد به داشتن تکنولوژی بسیار ظرف و پیچیده که مانند هواپیمای بدون سرنشین در اشکال حشرات و پرنده‌ها هستند، اعتراف کند.این هواپیماها که بیشتر با الگوبرداری از شکل پروانه، سنجاقک، پشه، مگس، بازها … هستند در پایگاه هوایی رایت و پترسون آمریکا و نیز کشورهای چون روسیه، ژاپن، انگلیس و… طراحی و به مرحله اجرا در می‌آیند.

«**سازمان دارپا و ساختار تخصصی آن**»
دارپا «DARPA» مخفف “Defense Advanced Research Projects Agency» به معنای آژانس پروژه‌های تحقیقاتی دفاعی پیشرفته است که به صورت مستقیم زیر نظر وزارت دفاع آمریکا و شخص وزیر، فعالیت می‌کند.

این سازمان در سال ۱۹۵۸ و برای مقابله با پیشرفت هوایی و فضای اتحاد جماهیر شوروی به خصوص در دوران جنگ سرد

و پیرامون پرتاب نخستین ماهواره فضایی جهان به نام Sputnik ۱ بود که توسط اتحاد جماهیر شوروی از پایگاه فضایی بایکونور به مدار زمین پرتاب شد، ایجاد شده است.

بنابر ادعا و معرفی این سازمان در تارنمای رسمی آن، دارپا به دنبال گسترش تکنولوژی در عرصه نظامی و داخلی

آمریکا بوده است تا بتواند مقابیل تهدیدات خاص دشمنان آمریکا در عرصه نظامی از: برخی دیگر از پروژه‌های دارپا یک قدرت خاصی برخوردار باشد و از سوی دیگر، از گسترش دشمنان آمریکا

پنجدهد دشمنان آمریکا جلوگیری کرده و بتواند با نگاه آینده محور، تکنولوژی‌های متعجب‌کننده برای مقابله با دشمنان آمریکا تولید کند.

این سازمان همچنین به دنبال گسترش تکنولوژی در عرصه امنیت ملی آمریکا است تا شهروند آمریکایی در هیچ موقعیتی احساس خطر نکرده و بتواند دشمن را با استفاده از تکنولوژی برتر نباود کند.

با توجه به اخبار منتشر شده از وسایات رسمی دارپا و دیگر سازه‌های تخصصی در زمینه تکنولوژی، فعالیت‌های دارپا تنها به

‏* پروژه کامبت یکی از مهم‌ترین مراکزی است که به منظور اهداف نظامی و جاسوسی با استفاده از تکنولوژی‌های نوین در دانشگاه میشیگان تأسیس شده است. نکته نغز ماجرا اینجاست که مدیر فعلی کامبت و مدیر برخی دیگر از پروژه‌های دارپا یک پروفسور ایرانی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف است!‌

می‌آورد.

۲- اداره علوم دفاعی (DSO)

به صورت خیلی قدرتمند، به دنبال پیشرفت‌های امیدبخش در طیف وسیعی از علوم و مهندسی پیگیری می‌کند، این پیشرفت‌ها به صورت محسوس در افزایش توانایی نظامی به کار گرفته می‌شود.

۳- اداره اطلاعات جدید (ITO)

وظیفه این اداره، تحقیق در قسمت‌های مختلف ارتش آمریکا برای برتری قطعی آمریکا در تمام سطوح مختلف نظامی است.

۴- اداره تکنولوژی میکروسیستم

دانشگاه

Daneshgah@Kayhannews.ir

محصول این سازمان بوده است و یا توسط این سازمان مدیریت و نظارت شده است.

پروژه‌های در حال اجرای دارپا»

الف)حشرات سایبری جاسوس

یکی از پروژه‌های در حال اقدام دارپا، استفاده از حشرات برای استفاده جاسوسی از این موجودات است، در این پروژه، با استفاده از تکنولوژی نانو، ریزپراننده‌ها و دوربین‌هایی همراه با جی پی اس، روی بدن حشرات قرار گرفته و این حشرات می‌توانند به صورت مستقیم عکس و فیلم را به مرکز کنترل ارسال کنند.

انرژی به کار رفته در این حشرات برای عکس و فیلمبرداری، با استفاده از تبدیل انرژی میکائیکی بال حشره به انرژی الکتریکی تأمین می‌شود.

ب)ربات پرنده

ربات پرنده نیز یکی دیگر از محصولات جاسوسی دارپا است که می‌تواند با کنترل از راه دور و با سرعت قابل توجهی در مکان‌های مختلف پرواز کرده و به صورت زنده تصویربرداری کند.

قابلیت‌های این ربات پرنده، سرعت قابل توجه، چرخش و فرود دقیق در مکان‌های تعیین شده است.

این محصول دارپا به عنوان یکی از اختراعات برتر سال ۲۰۱۱ بوده است، این محصول زیر نظر مستقیم رجبنا دوغان مدیر فعلی دارپا ساخته شده است.

ج)کامبت(COM-BAT)

پروژه کامبت یکی از مهم‌ترین مراکزی است که به منظور اهداف نظامی و جاسوسی با استفاده از تکنولوژی‌های نوین در دانشگاه میشیگان تأسیس شده است. نکته نغز ماجرا اینجاست که مدیر فعلی کامبت و مدیر برخی دیگر از پروژه‌های دارپا، یک پروفسور ایرانی و از فارغ‌التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف است!

«پروژه‌های عملیاتی در دارپا»

الف) خفاش جاسوس

روبات هواپیمای جاسوسی شبیه خفاش ۱۵ سانتی متر طول دارد، قادر به جمع آوری اطلاعاتی از مناظر، صداها و بوها در مناطق رزمی شهری و فرستادن آنها به سربازان در کمترین زمان ممکن می‌باشد.

به نقل از ساینس

دیلی، از این ایده از طرف ارتش بوده و خود ارتش برای ساخت این روبات هزینه‌ای معادل با ۱۰ میلیون دلار واری مدت ۵سال به کالج مهندسی دانشگاه میشیگان اختصاص داده است. این هزینه به بخش COM-BAT تعلق گرفته است. همچنین

این کمک هزینه می‌تواند برای یک دوره ۵ ساله دیگر و به مبلغ ۱۲،۵ میلیون دلار دیگر تجدید شود.

پژوهشگران دانشگاه میشیگان روی میکروالکترونیک متمرکز شده‌اند. آنها در نظر دارند سنسورها، وسایل ارتباطی و باتری‌های مورد نیاز برای این روبات ریزس هوایی را که خفاش نام‌گذاری شده، توسعه دهند. مهندسین دوربین‌های کوچکی برای دید استریوی خفاش و یک سری میکروفن‌های ریز برای دریافت انواع صداها از زوایای مختلف و همچنین ردیاب‌های کوچکی

برای تشعشعات هسته‌ای و گازهای سمی در نظر گرفته اند.

برای اینکه خفاش راه خود را در شب پیدا کند از یک رادار کوچک کم توان و یک سیستم جهت یاب حساس استفاده شده است. انرژی‌هایی که خفاش از خورشید، باد، ارتعاش و سایر منابع دریافت می‌کند می‌تواند به شارژ دوباره باتری لیتیومی اش کمک کند. خفاش می‌تواند سیگنال‌ها را به سربازان مخابره کند.

COM-BAT همچنین شامل دانشگاه

کالیفرنیا در برکلی و دانشگاه نیومکزیکو می‌باشد. COM-BAT یکی از چهار مرکزی است که- ارتش آنها را موظف به یک تلاش گروهی بین صنعت، دانشگاه و آزمایشگاه پژوهشی ارتش برای کار روی یک روبات هواپیمای کوچک که قادر به حس کردن و برقراری ارتباط باشد، کرده است. هر کدام از چهار مرکز، عهده دار توسعه دادن قسمتی از اجزای روبات خفاش می‌باشند. روبات خفاشی که یک حسگر با کنترل خودی و الهام گرفته از خصوصیات یک خفاش واقعی است.سرباندی در این رابطه می‌گوید: «خفاش‌ها از یک حس جهت یابی قوی و با کیفیت بالاترخوردارند که حتی در تاریکی می‌تواند با استفاده از امواج برگشتی از اجسام، موقعیت آنها را پیدا کنند. روبات خفاش ما هم باید این گونه باشد.»

روبات می‌تواند برای نظارت کوتاه مدت به پشتیبانی از سربازان در حال پیشروی طراحی شود. همچنین روبات می‌تواند برای مأموریت‌های طولانی تر، درگوشه خیابان یا ساختمان بنشیند و گزارشی از فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد را به مرکز فرماندهی ارسال نماید!

غرض از این حاشیه پر رنگ‌تر از متن ذکر این نکته نیست که پروژه‌های تحقیقاتی بالزن یا ابتدا یا در نهایت اهداف نظامی دارند که این وجه ساده و بدیهی ماجراست. مقصود از این منظور طولانی توجه به این نکته بود که در نبود راهبری آموزشی هدفمند، بودجه آزمایشگاه‌ها و پروژه‌های پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی را در مقوله بالزن‌ها باید در نظر گرفت. وزارت علوم بیرزاد تا ثمره آن در خارج از این مرزها توسط وزارت دفاع سایر کشورها برداشتن شود. توجه

به این نکته ضروری است که همان طور که ذکر آن رفت هزینه‌های تحقیقاتی ریز بالزن‌ها در همه کشورهای پیشرفت توسط وزارت دفاع تأمین می‌شود و وزارت علوم در این معامله ذینفع است حال آن که در کشور ما وزارت دفاع کلا در این

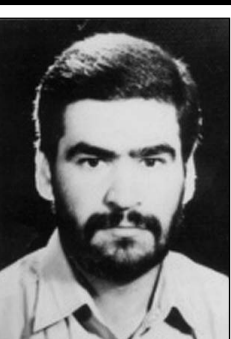
مقوله برکنار و وزارت علوم یک بنگاه ضررده و وزارت دفاع کشور خارجی ذینفع است.

بدتر از همه این که در نبود صنایع نظامی مقتضای این فناوری، دانشجویان فارغ التحصیل که عمر علمی خود را پیرامون رفع مشکلات نظامی سایر کشورها گذرانده‌اند پس از بیرون رفتن از محیط ایژوله دانشگاه، برای اشتغال یا باید به گذشته علمی خود پشت کنند و یا به کشور خود.

سید احمد علوی / دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران
*منابع در دفتر روزنامه موجود است

صفحه ۸
چهارشنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۳
۱۳ دیچه ۱۴۲۵ - شماره ۲۰۸۹۲

دانشگاه در جبهه – ۸۴



دانشجوی شهید مهدی خدایرست

شهادت دکتر مهدی خدایرست در سال ۱۳۳۵ در شهر تهران و در خانواده‌ای مومن و دیندار به دنیا آمد. او فرزند ششم خانواده بود و دوران تحصیل خود را از ابتدا تا سال دوم دبیرستان در تهران گذراند و دو سال آخر دبیرستان را به شهر قم رفت. او بنابر موقعیت مذهبی خانواده و محیط شهر خون و قیام، قم با تعلیمات دینی و مذهب‌فی دیرینه یافت و در جلسات و مراسم مذهبی فعالانه شرکت می‌نمود. به علت این روحیه مذهبی هنگامی که در کنکور پزشکی ارتش رژیم ستم شاهی پذیرفته شد، از رفتن به دانشگاه خودداری نمود و یک سال بعد

در رشته فیزیوتراپی در دانشکده توانبخشی مشغول به تحصیل شد مهدی در دانشگاه با شرکت در اعصاب‌های دانشجویی مبارزه خود را علیه رژیم طاغوت شروع کرد و به دلیل این فعالیت‌های ضد رژیم یکی دو ترم از تحصیل محروم شد. سال آخر تحصیل او در دانشکده معصاف با سال اول انقلاب بود و او با دوستان خود در سری پایی نظارت‌ها و راهپیمایی‌ها و مراسم تظاهرات این نوع مراسم تلاش می‌نمود، او در بخش اعلامیه‌ها و پیام‌های حضرت امام خمینی(ره) سر از پا نمی‌شناخت، و در تظاهرات روز ۱۷ شهریور در میدان شهید، حضور فعال داشت و در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در خیابان تهران نو با تانک‌ها و نیروهای سرکوب گر رژیم مسلحانه به مبارزه پرداخت.

شهادت مهدی خدایرست بعد از پیروزی انقلاب مقدس اسلامی در بر پایی سخنرانیهای مذهبی، نمایشگاه‌های عکس و کلاس‌های عقیدتی در دانشکده و دبیرستان‌های تهران بسیار نمود. او هر چند درآمد چندانی نداشت از کمک به انقلاب و نیازمندان دریغ نمی‌کرد. مهدی با عداوت از دوستان خود بارها به اسان محروم کردستان سفر نمود و در آنجا به کارهای فرهنگی پرداخت.

او مدتی مسئولیت بسیج مسجد الهادی را به عهده داشت و بعد از آن به عضویت سپاه درآمد و به سمت معاونت طرح و برنامه‌ریزی سپاه منصوب شد. او با توجه به تخصصی که در امور پزشکی داشت، در میراستان شهید مصطفی خمینی به معالجه جانبازان انقلاب پرداخت و در ساعات غیر اداری نیز به طور افتخاری در آسایشگاهی در نزدیکی شهر ری به این عزیزان کمک می‌کرد و این در حالی بود که مهدی با همسرش شهید مصطفی خمینی به معالجه جانبازان انقلاب پرداخت و در ساعات غیر اداری نیز به طور افتخاری در آسایشگاهی در نزدیکی شهر ری به این عزیزان کمک می‌کرد و این در حالی بود که مهدی با همسرش شهید مصطفی خمینی به معالجه جانبازان انقلاب پرداخت و در ساعات غیر اداری نیز به طور افتخاری در آسایشگاهی در نزدیکی شهر ری به این عزیزان کمک می‌کرد و این در حالی بود که مهدی با همسرش شهید مصطفی خمینی به معالجه جانبازان انقلاب پرداخت

به زربیماره و تارتانیا وارد می‌شد. او در همین سال ازدواج نمود و چهار ایزواج او یک فرزند پسر بود که بعد از شهادت پدر چشمش به نمره کشود. او در سال ۱۳۶۱ مدتی سرپرست امر جانبازان سپاه شد و بارها برای کمک و خدمت به مجروحان به جبهه حق علیه باطل رفت و در اعزام عزیزان مجروح برای درمان به خارج از کشور تلاش زیادی نمود. شهید خدایرست در اواخر بهمن ماه ۱۳۶۲ در آستانه عملیات برمنزلمان‌ها خبیر برای کمک به مجروحان به جبهه شتافت و در حالی که با پزشکان دیگر در صف نماز جماعت صبح مشغول نماز بودند به‌وسيله موتنک هواپیمای دشمن به شهادت رسید، او چند روز قبل از شهادت به مادرش می‌گوید: «مادر دیشب خواب دیدم که یک لاکدری بر سر منوزلمان صفت شده بود و نام من روی آن نوشته شده و بود و روی دیوارها عکس خود را در کنار عکس برادرم‌های دیدم. و در راهر روز منوزلمان اعلامیه‌ای بود که روی آن نوشته بود شهید مهدی خدایرست، من می‌دانم که به شهادت می‌رسم.»

شهید مهدی خدایرست از نظر اخلاقی و تقوی نمونه بود، و شهادت‌شهادت حادثه‌ای تاگوار برای خانواده محسوب می‌شد. با توجه به اینکه هنوز سالگرد شهادت برادرش فرا نرسیده بود مسئولین سپاه نمی‌دانستند چگونه خیر شهادت مهدی را به خانواده اش بدهند. اما مادر مهدی بعد از شنیدن خبر شهادت دومین فرزند خود با صبوری و خوشحنداری تمام، به مراجع شهادت رفت، در کنار مظهر فرزند خود نشست و صلوات فرستاد و با شهید خود نجوا کرد و دعا نمود. اشک نریخت و زجه نکرد او شهید خود را تقدیم خدا نمود. جنازه مظهر شهید بر دوش دوستان جانبازش در حالی که اشک از دیدگان آنها روان بود تشییع شد و در بهشت زهرا قطعه ۲۶، ردیف ۸۸، شماره ۲۸ درکنار مزار برادر شهیدش به خاک سپرده شد.

موشک برای عبور از تمام جاذبه‌هاست.

۱۵ ساله‌ای که به نام محمدعلی قادری در همین منطقه سومار چند دقیقه قبل از شهادتش به عقد مهدی بود، می‌فرمزمش بود گفت: حمید! نکنه آقا تنها بشن، عمر من فدای یک لحظه عمر بر بکت امام(ره)، حمید! هر رفت تو به مسئله‌ای گیر کردین فقط به خدا امید داشته باشیدی، انسان زمانی که برای خدا کار می‌کنه نیاید از هیچ چیزی ترسه، اگر شهید شدم به مادرم بگو که برای خدا به جبهه رفته امی بی‌نود.

پیشنهاد مهدی خدایرست از نظر اخلاقی و تقوی نمونه بود، و شهادت‌شهادت حادثه‌ای تاگوار برای خانواده محسوب می‌شد. با توجه به اینکه هنوز سالگرد شهادت برادرش فرا نرسیده بود مسئولین سپاه نمی‌دانستند چگونه خیر شهادت مهدی را به خانواده اش بدهند. اما مادر مهدی بعد از شنیدن خبر شهادت دومین فرزند خود با صبوری و خوشحنداری تمام، به مراجع شهادت رفت، در کنار مظهر فرزند خود نشست و صلوات فرستاد و با شهید خود نجوا کرد و دعا نمود. اشک نریخت و زجه نکرد او شهید خود را تقدیم خدا نمود. جنازه مظهر شهید بر دوش دوستان جانبازش در حالی که اشک از دیدگان آنها روان بود تشییع شد و در بهشت زهرا قطعه ۲۶، ردیف ۸۸، شماره ۲۸ درکنار مزار برادر شهیدش به خاک سپرده شد.

*دانشجویی از دانشگاه علمی

کاربردی تهران اشک‌هایش تمام صورت مردانه‌اش را خیس کرده بود و نور خورشید در آن می‌رقصید، دختری آمده بود و برای پدر گمنامش ضجه می‌زد، یک روحانی به کوه گیسکه تکیه زده بود و با شنیدن نام حضرت زهرا(س) به سینه می‌زد و گوهر چشمانش تمام صورت پیراهنش را خیس کرده بود.

قابل توجه اساتید حوزه و دانشگاه، دانشجویان و طلاب محترم:
«صفحه دانشگاه کیهان» از اخبار، مقالات، یادداشت‌ها و تحلیل‌های فرهنگی مرتبط با مقولات دانشگاه‌ای و دانشجویی استقبال می‌کند.
علاقه‌مندان می‌توانند فایل حرفه‌چینی شده مطالب مدنظر و نوشته‌های خود را به رایانامه Daneshgah@Kayhan.ir ارسال نمایند.

بدیهی است که روزنامه کیهان در ویرایش، تلخیص، انتشار یا عدم انتشار مقالات ارسالی، آزاد است.

می‌کنند بعد به نظر به حجاج دشت عرفات می‌ن‌دانن، امروز به نیت زیارت

مدخل و مدفن شهدایی که به عقد سوره‌شان شهید شده‌اند در گیسکه جمع شدیم، چرا شهیدان دل بی‌خوشند؟ چرا به نکته استخوانش در دل‌ها

کرپلا به پا می‌کنه؟ چون آواز نظر اربابشون رو به خودشون جلب کردند. خیلی رو بلندی نشستید، این جایی که شما اسکان گرفتید مثل تل زنبیبه است، اون پایین مدخل ورودی شما بود؟ اینجا قتلگاه و مدفن

شهادت، توی همین قتلگاهی که شما نشستید سیم‌ها به معبود ازی ولی شده، امروز اگر کسی سیمش وصل شده وقت زندگی رو از نو شروع می‌کنه اگر خیلی از مشکلات کینه و پوسیده زندگی هنوز هم با ما هستند به خاطر اینه که دل نمی‌کنیم از تعلقات این طرفی، وصل نمی‌شیم به اون بالا.

بینبید که شهدا چه جورى از نازشون کم کردند، خوشگل دعوتتون کردن اینجا، ربوروی حرم طلايى سرورشون دارن ازتون بذپزایی می‌کنند که براشون دعای عاشقانه آقا ابعیدالله(ص) رو زمزمه کنید، می‌دونید روزی به اینجا دعوت شدن که بجه‌های عملیات مسلم بن عقیل در این روز قتل و غم‌شدن؟ سال ۶۱ هج من چون بود در همین جایی که شما با آرامش نشستید سال ۶۱ غوغایی به پا بود، چه سیم‌هایی که از اینجا به خدا وصل نشد، چه بند نافها و خون‌خوری‌هایی که این جاقطع شد، چه عند رهم برزقون‌هایی که از اینجا شروع شد

می‌خوام که فوت کوزه‌گری رو یادتون بدم، بیست سال پیش به عده بچه دبیرستانی از خونه فرار کردند که به عشق ولی قبیله برای حفظ این خاک سرتشون رو تقدیم کنند، عین شما که از همه تعلقاتی که دارین فرار کردین که اینجا باشیدی، از دست شیطان فرار کردین؟ امروز عبیدی مین، هر کی عبیدی می‌خواد الان بهترین وقته، دستت رو بیار بالا. امروز این قله سنگ‌ها، ریگ‌های گیسکه و حتی یاد با شما حرف می‌زنند، گوش کن. نکته که دارن پارگیری می‌کنند با حرفی رو یواشکی توی گوشمون نجوا می‌کنند. شهدا! جیکارمون داشتیم؟ ما که دانشمیت توی شهر دلمون می‌چردیم.

امروز اومدیم بهشت خوب خدا نشستیم، می‌فهمید که شهدا دارن دردتون می‌گردن؟ اینا قبل اینکه شما به دنیا بیاید قربانی‌تان شدند حالا هر دارن دورتان می‌گردند، دعایتان رو با ناز بخونید، اگر چشم دلتان مواز کنید می‌بیبید یی به اول‌علم(س) و پسرش امام عصر(عج) به شما نگاه می‌کنند، آخه امروز بله برونه، حضرت زهرا(س) اومده برای مهدی(رواحنا فدا)، یار بگیره، آقا دالیبست یاران خرابانشبید، دلداده می‌طلبه، دل‌واتونو دست بگیرید که شهدا سوره‌اشون رو دست گرفتند.

این که شما اینجا جمع شدید، ربورویی گنبد امام حسین(ع) قد قامت کردید؛ برای اینه که اگر شهدا این حرف‌ها رو توی گوشتون زمزمه نکنند می‌خواهید از اون دانشگاه کوفتی خراب شده یاد بگیرید؟ که نمی‌گیرید.

این اشک‌های خوشگلتون که داره غل می‌خوره، می‌ریزه روی دلمنتون سوخت

گزارشی از مراسم دعای عرفه در «منطقه عملیاتی سومار»

«عرفه دانشجویی» در جوار شهدا



*** با قرائت دعای**

عرفه صدای آه و ناله

دانشجویان، مردم

و خانواده‌های شهدا

تمام دشت را پر کرده

بود، چقدر زیبا بود،

صدایشان حتی به

آن سوی مرز عراق

نیز می‌رسید، یک

سرباز در سنگری پناه

گرفته بود، سرش بر

روی بلوک سیمانی

بود و شانهایش

می‌لرزیدند.

خاطره گویی از شهدا پرداخت و گفت: می‌خواستیم تو سومار عملیات مسلم بن عقیل را انجام دهم، محسن اچانو، فرمانده گردان بود صبح زود گفت: من میرم کربلانشاه زود برم می‌گردم، با امرار زیاد علت رو جويا شدم، اونم ادامه داد: دیروز به بستنی تو کارنشاه خریدم یادم رفته که پولشو حساب کنم، رفت و چند ساعت بعدش خوشحال و خندان برگشت. شب عملیات هوا خیلی گرم بود، امدادهای غیبی که از سوی خدا به بچه‌های گردان می‌شد زیاد بودند اما چشمان ما از دیدنشون عاجز بود، وقتی رسیدیم زیر گلوگه رفتند، رقص ابر و ماه شروع شد، وقتی می‌رفتم تو کمین‌گاه و پنجاه می‌شدم ای‌رها از جلوی ماه کنار می‌رفتمند و تمام دشت نمایان می‌شد، همین که پا تو دشت می‌ذاشتم اون چند تنکه ابر، حالت می‌شدند و ما می‌توانستیم به دل دشت گیسکه برزیم.

رصد عملیات با ابوالفضل العباس(ع) بود، آقا خیلی بهمون عنایت داشتند، تا پای میدان مین رسیدیم، بچه‌های عملیات و تخریب‌چی‌ها شروع کردند به پاکسازی برای این که جای پای برای ما باز بشه، به دفعه پای یکی از تخریب‌چی‌ها به مین منور خورد، الله اکبر، تمام دشت مثل روز روشن شد، مقرر عراق درست بالای سر ما بود، بچه‌ها اشهدشان را خواندند و نغمه‌هایشان را محکم به دست گرفتند، ما آماده باشیم، من به تخریب‌چی‌ها گفتم: خانه‌ات خراب، این چه کاری بود که کردی؟ بپو قاطی کرد و به ابزارش، سیم سراسری منورها را قطع کرد، دور تا دور میدان مین روشن